

شکی نیست که پس از شناختن صنایع علم بدیع، شعراء ایران بدیعیه اشعار مصنوع زیاده گفته اند ولی کسی که خواسته باشد تمام گویان فارسی صنایع این علم را در یک قصیده جمع کند کمتر وجود داشته است و چنانکه گفتیم طبق اطلاعی که ما داریم اولین کسی که در زبان فارسی قصیده بدیعیه گفته است قوامی مطرزی بوده است که یکی از استادان شاعران و از معاصرین و مداحان قزل ارسلان میباشد و در قرن ششم هجری میزیسته است (۲) پس از او باز تا جایی که ما اطلاع داریم سید ذوالفقار شروانی از شعرای قرن هفتم و از معاصرین سلطان محمد بن تکش خوارزمشاه بگفتن قصیده بدیعیه پرداخته است (۳) تخلص این قصیده در مدح صدر الماستری، وزیر شروان بوده و وزیر مذکور در صله آن هفت خروار ابریشم بسید ذوالفقار کرم کرد (۴) و این قصیده مشتمل است بر توشیحات و دوایر و زحافات و از هر یک بیت چندین ابیات و مصارع متلون در محور مختلفه اخراج میشود (۵) بعد از این شاعر کسیکه از معاریف شعراء قد علم کرده و قصیده بدیعیه در زبان فارسی گفته است، خواجه سلمان ساوجی پسر علاء الدین محمد از گویندگان بزرگ قرن هشتم بوده (۶) و ممدوح سلمان در این قصیده خواجه غیاث الدین محمد بن رشید صاحب دیوان وزیر سلطان ابوسعید بهادر میباشد و با اینکه شاعر در قصیده خود داد فصاحت داده و چندین صنعت بیش از سید ذوالفقار از فنون علم بدیع در اشعار این قصیده جای داده است، معذالک صاحب دیوان کمتر از آنچه که وزیر شروان بسید ذوالفقار صله داده بود، سلمان صله عطا کرده است و سلمان از این موضوع دلتنگ شده، فرزند صاحب دیوان گله میکند و میگوید:

(۱) تذکره الشعراء دولتشاه: چاپ اروپا من ۱۲۸ و چاپ هند من ۵۹

(۲) با اینکه دولتشاه در ضمن شرح حال نظامی وعده میدهد که شرح حال قوامی گنجوی مطرزی را با اشعاری از قصیده بدیعیه او ذکر کند بهیچوجه بوعده خود وفا نمیکند و این امر یا بواسطه فراموش کاری معمولی دولتشاه بوده و یا بواسطه ناقص بودن نسخه ماخذ چاپ اروپا و هند چنانکه شواهد دیگری برای ناقص بودن هر دو چاپ در دست است.

(۳) دولتشاه: چاپ اروپا من ۱۳۱ - ۱۳۲. (۴) ایضاً همان صفحه و صفحه ۶۱ از چاپ هند.

(۵) برای مشاهده کیفیت اخراج بحر دیگر از بحر قصیده او بند کرده دولتشاه: من ۱۲۸ رجوع شود

(۶) برای شرح حال مفصل و سائر مطالب مربوط بزندگان این شاعر بکتاب مستقل و

فاضلانۀ شرح حال سلمان ساوجی، تألیف آقای رشید یاسمی رجوع شود.

خواجه امروز صاحب دیوان ممالک ایران و تورانست و بدولت برتر از وزیر شروان میباشد و قصیده من هم نیکوتر از قصیده سید ذوالفقار است ، با اینحال بین صله‌ئی که ذوالفقار در یافت داشته است و صله‌ئی که من دریافت داشته‌ام تفاوت هست . خواجه از این سخن طیره شده میگوید : «از علی بن ابیطالب تا سلمان نیز تفاوت هست ، (۱) پس از سلمان ساوجی بواسطه شهرت خود او و معروفیتی که قصیده بدیعیه‌اش در میانه سخن‌سرایان پیدا کرده بود ، شعراء بسیاری در تتبع قصیده او مشغول بگفتن قصیده بدیعیه شدند چنانکه در قرن نهم هجری درویش منصوری از گویندگان معاصر میرزا ابوالناسم بابر که شاگرد مولانا یحیی سیمک بوده و در تصوف و فن عروض و صنایع شعری شهرت داشته در جواب قصیده مصنوع خواجه سلمان قصیده‌ئی گفته است که مطلع آن این بیت میباشد :

• بس دویدم در هوای وصل یار کس ندیدم آشنای اصل کار ،

(۲) و بعد از او خواجه علاءالدین علی صانعی از اشراف ولایت باخرز که چندی وزارت سلطان حسین بایقرا را داشته و در اینکار رقیب امیر علیشیرنواهی بوده ، قصیده مصنوع خواجه سلمان را تتبع و اکثر صنایع شعری را بقلم پیروی در آنقصیده درج کرده است (۳) و در قرن دهم حافظ علی غوریانی که در حسن خط و علم عروض و صنایع شعری مهارت بسیار داشته سه چهار نوبت قصیده مصنوع خواجه سلمانرا تتبع نموده چند صنعت بر صنایع آن افزوده است (۴) و در همین قرن اهلی شیرازی قصیده بدیعیه‌ئی در مدح امیر علیشیر گفته و آنرا از شیراز بهرات نزد ممدوح خود فرستاده است (۵) .

(۱) تذکره دولتشاه من ۱۳۱ - ۱۳۲ از چاپ اروپا من ۶۱ از چاپ هند .

(۲) حبیب‌السیر : ج ۳ مجلد سوم من ۱۷۴ و رجال آنکتاب من ۱۳۳

(۳) حبیب‌السیر : ج ۳ مجلد سوم من ۳۲۲ (۴) برای دیدن چند شعر از اشعار مصنوع

او بکتاب حبیب‌السیر جزو ۳ از مجلد سوم من ۲۴۹ - ۲۵۰ رجوع کنید

(۵) ایضا همانکتاب و همانجلد جزو ۴ من ۱۹۳ و رجال آنکتاب من ۲۴۵